

یادداشت

به بهانه برگزاری جشنواره تئاتر عروسکی **تئاتر عروسکی و اندیشه گذر**

دکتر حمیدرضا اردلان*



یادداشت با هدف گذر و نقادانه، ترکیبی از این دو یا با نحوه تلقی «گذر» از آنچه بوده است. این یادداشت با هدف گذر ارائه می‌شود.
واقعۀ در اینجا جشنواره عروسکی

در ارزیابی کلی به نظر می‌رسد جشنواره سیزدهم یک گام به جلو است. از دلایل آن یک دلیل مهم اضافه شدن سمینار بین‌المللی با موضوع نمایش‌های عروسکی است که از ایران و ۹ کشور دیگر در آن شرکت داشته‌اند، دلیل دوم رسیدن به این باور از سوی مسوولان است که یک جشنواره آدم‌های متخصص نیاز دارد تا آنها طراحی کنند و اجرای طراحی با پنبه‌های نظری ملاک پیشرفت امور باشد. در به‌کارگیری تخصص فواید بی‌شمار و در صورت بی‌اعتنایی به آن مضرات بی‌شمارتر است. اما سؤال کلیدی که برای جامعه تئاتر عروسکی (و شاید جوامع هنری دیگر) همیشه مطرح بوده است: چرا رونق تئاتر عروسکی و دیگر هنر‌ها بستگی به جشنواره‌ها دارد؟ پاسخ به این سؤال چندان سخت نیست و همه جواب آن را می‌دانند زیرا نمایش عروسکی مانند موسیقی، نقاشی، عکاسی، معماری و دیگر هنر‌ها موضوع اصلی فرهنگ و جامعه ما نیست. منظور از جامعه ما تنها ارگان‌های دولتی نیست بلکه خود هنرمندان و مردم نیز به اهمیت و نقش این هنرها در حد نیاز واقف نیستند؛ دلایل این امر در حوصله این یادداشت نیست.

اکنون کمی درباره عروسک

این موجود در فلسفه، ادبیات و عرفان ایرانی تشبیه به انسان می‌شود و انسان به وجودآورنده آن است. از طریق واژهٔ لعبت می‌توان به واژگان بت، صنم، پیکر و پیکرک، سیمیاچه، نقاب، مترس و مترسک و ده‌ها واژه دیگر که در حوزه و دایره عروسک‌اند اشاره کرد. هر کدام از این واژه‌ها بار معنایی و صورت نوعی و تاریخی خود را دارند و حیطه نظری و شناختی وسیعی را در این وادی ایجاد می‌کنند. در دوره معاصر برای نمایش‌های عروسکی و انواع آن در ایران به‌ویژه در تهران خانواده‌ای پیدا شده است و آنان با پشتکار و کمترین امکانات و در فقر نسبی هم روزگاری می‌گذرانند و هم عروسک‌هایشان را نگاه می‌کنند و در هر فرصتی ایشان (عروسک‌ها) را بیرون می‌آورند و در مکان‌های تعیین‌شده برای آنها که در نسبت با نیاز و جمعیت ما بسیار محدود و ناچیز است، خوندنمایی می‌کنند و اقتصادی پیرامون آنها تشکیل شده است. برخی از نام‌ها اینها بابی، میکی‌ماوس، اسپایدرمن، بتمن و ... است که برخی تاناز عروسک و برخی نسخه‌برداری از کارتون‌ها و غیره‌اند، این در حالی است که عروسک‌های سنتی ما مانند مبارک، بشارت، سلیم خان، پهلوان، سقاباشی، چارچی (خیمه‌شب‌بازی)، بوکه بارانه، تکم و چولی غزک، بازبازک، چمچه گلین و صدها نوع عروسک آیینی دیگر که در میان اقوام و ایلات و عشایر ایرانی تا چند دهه پیش حیات داشته و اکنون نیز ده‌ها نوع از این عروسک‌ها هنوز زندگی می‌کنند و مهجور، بی‌پناه و بی‌تبلیغ تنها افتاده‌اند. مثال تنهایی آنها این است که هرگز در رسانه‌ها و مخصوصاً تلویزیون ایران نامی از آنها برده نمی‌شود و در صنعت دوخت و دوز لباس کودکان ایران هرگز صورتی از صورت آنها نقش نمی‌پندد، در عوض کمتر لباسی پیدا می‌شود که اشکال عروسک‌های خارجی یا عبارات نگارش شده انگلیسی بر آنها نقش نشده باشد. هرگاه نقدی یا تذکری گفته یا نگارش می‌شود رندی پیدا می‌شود و می‌پرسد اگر راست می‌گویي چه باید کرد؟ چه باید کرد؟ کارهایی که باید کرد یا این قرار است: هنر به‌طور عام و نمایش عروسکی به‌طور خاص به جامعه ورود پیدا کند. آموزش و پرورش یکی از آنجاست که می‌تواند درهای مدارس بسته خود را به روی نمایش عروسکی باز کند تا نمایشگران با بهره‌گیری از جادوی هنر به آموزش و اخلاق و پرورش یاری رسانند. عرصه‌های صنعتی تولیدات کودکان مانند لباس، نوشت‌افزار، اسباب‌بازی و ... اهمیت ویژه عروسک‌لبای ایرانی را از ادراک کنند و رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما به جای شعارهای فرهنگی دست‌نیافتنی به‌گونه‌ای حقیقی و واقع‌بینانه حداقل در عرصه عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی ایرانی پنجره‌های خود را به حضور آنان م‌زین کنند.

در پایان این یادداشت به سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران که به نام مبارک است بازمی‌گردیم. در این جشنواره بیش از یکصد اثر در حوزه‌های سخنرانی، اجرای نمایش، تشکیل کارگاه، نمایشگاه و نگارش کتاب ارائه شده است. این تولیدات حاصل مرارت و زحمت تعداد زیادی از هنرمندان، پژوهشگران و مسوولان است و در قیاس با سال‌های گذشته همان گاه که در ابتدا آمد یک قدم به جلو است اما وضعیت فعلی حکم می‌کند ما به قدم‌های بیشتری نیاز داریم و این منوط به حمایت‌های مادی و معنوی ویژه است. اگر بخواهیم همین مفهوم را با زبانی تاویلی بازگویم چنین است: امروز ما در حوزه هنر و تکنولوژی دیروز مغرب‌زمین است. در ضمن جامعه ما به گذر از مغرب‌زمین می‌اندیشد. اگر بخواهیم اندیشه گذر را جامعه عمل بپوشانیم ضروری است تا در مسند ارگان‌های هنری چه دولتی و چه خصوصی مدیران کار کشته و باتجربه هنرآمخته مدیریت کنند و گوش جامعه سخن آنان شنوا باشد و طراحی‌های آنان مبنای عمل قرار گیرد. تجربه و زمان نشان داده است هر جا آنان سیاستگذاری و طراحی کرده‌اند کارها سامان یافته است.

***رئیس مبارک یونیمای ایران**



یادداشت با هدف گذر و نقادانه، ترکیبی از این دو یا با نحوه تلقی «گذر» از آنچه بوده است. این یادداشت با هدف گذر ارائه می‌شود.
واقعۀ در اینجا جشنواره عروسکی

در ارزیابی کلی به نظر می‌رسد جشنواره سیزدهم یک گام به جلو است. از دلایل آن یک دلیل مهم اضافه شدن سمینار بین‌المللی با موضوع نمایش‌های عروسکی است که از ایران و ۹ کشور دیگر در آن شرکت داشته‌اند، دلیل دوم رسیدن به این باور از سوی مسوولان است که یک جشنواره آدم‌های متخصص نیاز دارد تا آنها طراحی کنند و اجرای طراحی با پنبه‌های نظری ملاک پیشرفت امور باشد. در به‌کارگیری تخصص فواید بی‌شمار و در صورت بی‌اعتنایی به آن مضرات بی‌شمارتر است. اما سؤال کلیدی که برای جامعه تئاتر عروسکی (و شاید جوامع هنری دیگر) همیشه مطرح بوده است: چرا رونق تئاتر عروسکی و دیگر هنر‌ها بستگی به جشنواره‌ها دارد؟ پاسخ به این سؤال چندان سخت نیست و همه جواب آن را می‌دانند زیرا نمایش عروسکی مانند موسیقی، نقاشی، عکاسی، معماری و دیگر هنر‌ها موضوع اصلی فرهنگ و جامعه ما نیست. منظور از جامعه ما تنها ارگان‌های دولتی نیست بلکه خود هنرمندان و مردم نیز به اهمیت و نقش این هنرها در حد نیاز واقف نیستند؛ دلایل این امر در حوصله این یادداشت نیست.

اکنون کمی درباره عروسک

این موجود در فلسفه، ادبیات و عرفان ایرانی تشبیه به انسان می‌شود و انسان به وجودآورنده آن است. از طریق واژهٔ لعبت می‌توان به واژگان بت، صنم، پیکر و پیکرک، سیمیاچه، نقاب، مترس و مترسک و ده‌ها واژه دیگر که در حوزه و دایره عروسک‌اند اشاره کرد. هر کدام از این واژه‌ها بار معنایی و صورت نوعی و تاریخی خود را دارند و حیطه نظری و شناختی وسیعی را در این وادی ایجاد می‌کنند. در دوره معاصر برای نمایش‌های عروسکی و انواع آن در ایران به‌ویژه در تهران خانواده‌ای پیدا شده است و آنان با پشتکار و کمترین امکانات و در فقر نسبی هم روزگاری می‌گذرانند و هم عروسک‌هایشان را نگاه می‌کنند و در هر فرصتی ایشان (عروسک‌ها) را بیرون می‌آورند و در مکان‌های تعیین‌شده برای آنها که در نسبت با نیاز و جمعیت ما بسیار محدود و ناچیز است، خوندنمایی می‌کنند و اقتصادی پیرامون آنها تشکیل شده است. برخی از نام‌ها اینها بابی، میکی‌ماوس، اسپایدرمن، بتمن و ... است که برخی تاناز عروسک و برخی نسخه‌برداری از کارتون‌ها و غیره‌اند، این در حالی است که عروسک‌های سنتی ما مانند مبارک، بشارت، سلیم خان، پهلوان، سقاباشی، چارچی (خیمه‌شب‌بازی)، بوکه بارانه، تکم و چولی غزک، بازبازک، چمچه گلین و صدها نوع عروسک آیینی دیگر که در میان اقوام و ایلات و عشایر ایرانی تا چند دهه پیش حیات داشته و اکنون نیز ده‌ها نوع از این عروسک‌ها هنوز زندگی می‌کنند و مهجور، بی‌پناه و بی‌تبلیغ تنها افتاده‌اند. مثال تنهایی آنها این است که هرگز در رسانه‌ها و مخصوصاً تلویزیون ایران نامی از آنها برده نمی‌شود و در صنعت دوخت و دوز لباس کودکان ایران هرگز صورتی از صورت آنها نقش نمی‌پندد، در عوض کمتر لباسی پیدا می‌شود که اشکال عروسک‌های خارجی یا عبارات نگارش شده انگلیسی بر آنها نقش نشده باشد. هرگاه نقدی یا تذکری گفته یا نگارش می‌شود رندی پیدا می‌شود و می‌پرسد اگر راست می‌گویي چه باید کرد؟ چه باید کرد؟ کارهایی که باید کرد یا این قرار است: هنر به‌طور عام و نمایش عروسکی به‌طور خاص به جامعه ورود پیدا کند. آموزش و پرورش یکی از آنجاست که می‌تواند درهای مدارس بسته خود را به روی نمایش عروسکی باز کند تا نمایشگران با بهره‌گیری از جادوی هنر به آموزش و اخلاق و پرورش یاری رسانند. عرصه‌های صنعتی تولیدات کودکان مانند لباس، نوشت‌افزار، اسباب‌بازی و ... اهمیت ویژه عروسک‌لبای ایرانی را از ادراک کنند و رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما به جای شعارهای فرهنگی دست‌نیافتنی به‌گونه‌ای حقیقی و واقع‌بینانه حداقل در عرصه عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی ایرانی پنجره‌های خود را به حضور آنان م‌زین کنند.

***رئیس مبارک یونیمای ایران**

تئاتر



یادداشت با هدف گذر و نقادانه، ترکیبی از این دو یا با نحوه تلقی «گذر» از آنچه بوده است. این یادداشت با هدف گذر ارائه می‌شود.
واقعۀ در اینجا جشنواره عروسکی

اکنون کمی درباره عروسک

این موجود در فلسفه، ادبیات و عرفان ایرانی تشبیه به انسان می‌شود و انسان به وجودآورنده آن است. از طریق واژهٔ لعبت می‌توان به واژگان بت، صنم، پیکر و پیکرک، سیمیاچه، نقاب، مترس و مترسک و ده‌ها واژه دیگر که در حوزه و دایره عروسک‌اند اشاره کرد. هر کدام از این واژه‌ها بار معنایی و صورت نوعی و تاریخی خود را دارند و حیطه نظری و شناختی وسیعی را در این وادی ایجاد می‌کنند. در دوره معاصر برای نمایش‌های عروسکی و انواع آن در ایران به‌ویژه در تهران خانواده‌ای پیدا شده است و آنان با پشتکار و کمترین امکانات و در فقر نسبی هم روزگاری می‌گذرانند و هم عروسک‌هایشان را نگاه می‌کنند و در هر فرصتی ایشان (عروسک‌ها) را بیرون می‌آورند و در مکان‌های تعیین‌شده برای آنها که در نسبت با نیاز و جمعیت ما بسیار محدود و ناچیز است، خوندنمایی می‌کنند و اقتصادی پیرامون آنها تشکیل شده است. برخی از نام‌ها اینها بابی، میکی‌ماوس، اسپایدرمن، بتمن و ... است که برخی تاناز عروسک و برخی نسخه‌برداری از کارتون‌ها و غیره‌اند، این در حالی است که عروسک‌های سنتی ما مانند مبارک، بشارت، سلیم خان، پهلوان، سقاباشی، چارچی (خیمه‌شب‌بازی)، بوکه بارانه، تکم و چولی غزک، بازبازک، چمچه گلین و صدها نوع عروسک آیینی دیگر که در میان اقوام و ایلات و عشایر ایرانی تا چند دهه پیش حیات داشته و اکنون نیز ده‌ها نوع از این عروسک‌ها هنوز زندگی می‌کنند و مهجور، بی‌پناه و بی‌تبلیغ تنها افتاده‌اند. مثال تنهایی آنها این است که هرگز در رسانه‌ها و مخصوصاً تلویزیون ایران نامی از آنها برده نمی‌شود و در صنعت دوخت و دوز لباس کودکان ایران هرگز صورتی از صورت آنها نقش نمی‌پندد، در عوض کمتر لباسی پیدا می‌شود که اشکال عروسک‌های خارجی یا عبارات نگارش شده انگلیسی بر آنها نقش نشده باشد. هرگاه نقدی یا تذکری گفته یا نگارش می‌شود رندی پیدا می‌شود و می‌پرسد اگر راست می‌گویي چه باید کرد؟ چه باید کرد؟ کارهایی که باید کرد یا این قرار است: هنر به‌طور عام و نمایش عروسکی به‌طور خاص به جامعه ورود پیدا کند. آموزش و پرورش یکی از آنجاست که می‌تواند درهای مدارس بسته خود را به روی نمایش عروسکی باز کند تا نمایشگران با بهره‌گیری از جادوی هنر به آموزش و اخلاق و پرورش یاری رسانند. عرصه‌های صنعتی تولیدات کودکان مانند لباس، نوشت‌افزار، اسباب‌بازی و ... اهمیت ویژه عروسک‌لبای ایرانی را از ادراک کنند و رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما به جای شعارهای فرهنگی دست‌نیافتنی به‌گونه‌ای حقیقی و واقع‌بینانه حداقل در عرصه عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی ایرانی پنجره‌های خود را به حضور آنان م‌زین کنند.

در ارزیابی کلی به نظر می‌رسد جشنواره سیزدهم یک گام به جلو است. از دلایل آن یک دلیل مهم اضافه شدن سمینار بین‌المللی با موضوع نمایش‌های عروسکی است که از ایران و ۹ کشور دیگر در آن شرکت داشته‌اند، دلیل دوم رسیدن به این باور از سوی مسوولان است که یک جشنواره آدم‌های متخصص نیاز دارد تا آنها طراحی کنند و اجرای طراحی با پنبه‌های نظری ملاک پیشرفت امور باشد. در به‌کارگیری تخصص فواید بی‌شمار و در صورت بی‌اعتنایی به آن مضرات بی‌شمارتر است. اما سؤال کلیدی که برای جامعه تئاتر عروسکی (و شاید جوامع هنری دیگر) همیشه مطرح بوده است: چرا رونق تئاتر عروسکی و دیگر هنر‌ها بستگی به جشنواره‌ها دارد؟ پاسخ به این سؤال چندان سخت نیست و همه جواب آن را می‌دانند زیرا نمایش عروسکی مانند موسیقی، نقاشی، عکاسی، معماری و دیگر هنر‌ها موضوع اصلی فرهنگ و جامعه ما نیست. منظور از جامعه ما تنها ارگان‌های دولتی نیست بلکه خود هنرمندان و مردم نیز به اهمیت و نقش این هنرها در حد نیاز واقف نیستند؛ دلایل این امر در حوصله این یادداشت نیست.

یادداشت با هدف گذر و نقادانه، ترکیبی از این دو یا با نحوه تلقی «گذر» از آنچه بوده است. این یادداشت با هدف گذر ارائه می‌شود.
واقعۀ در اینجا جشنواره عروسکی

در ارزیابی کلی به نظر می‌رسد جشنواره سیزدهم یک گام به جلو است. از دلایل آن یک دلیل مهم اضافه شدن سمینار بین‌المللی با موضوع نمایش‌های عروسکی است که از ایران و ۹ کشور دیگر در آن شرکت داشته‌اند، دلیل دوم رسیدن به این باور از سوی مسوولان است که یک جشنواره آدم‌های متخصص نیاز دارد تا آنها طراحی کنند و اجرای طراحی با پنبه‌های نظری ملاک پیشرفت امور باشد. در به‌کارگیری تخصص فواید بی‌شمار و در صورت بی‌اعتنایی به آن مضرات بی‌شمارتر است. اما سؤال کلیدی که برای جامعه تئاتر عروسکی (و شاید جوامع هنری دیگر) همیشه مطرح بوده است: چرا رونق تئاتر عروسکی و دیگر هنر‌ها بستگی به جشنواره‌ها دارد؟ پاسخ به این سؤال چندان سخت نیست و همه جواب آن را می‌دانند زیرا نمایش عروسکی مانند موسیقی، نقاشی، عکاسی، معماری و دیگر هنر‌ها موضوع اصلی فرهنگ و جامعه ما نیست. منظور از جامعه ما تنها ارگان‌های دولتی نیست بلکه خود هنرمندان و مردم نیز به اهمیت و نقش این هنرها در حد نیاز واقف نیستند؛ دلایل این امر در حوصله این یادداشت نیست.

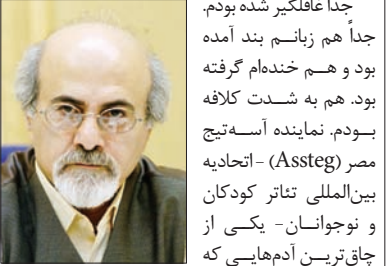
یادداشت با هدف گذر و نقادانه، ترکیبی از این دو یا با نحوه تلقی «گذر» از آنچه بوده است. این یادداشت با هدف گذر ارائه می‌شود.
واقعۀ در اینجا جشنواره عروسکی

یادداشت با هدف گذر و نقادانه، ترکیبی از این دو یا با نحوه تلقی «گذر» از آنچه بوده است. این یادداشت با هدف گذر ارائه می‌شود.
واقعۀ در اینجا جشنواره عروسکی

یادداشت

حضور مبارک فراتر از مرزها **شناسنامه‌ای برای مبارک**

بهروز غریب‌پور



جدا غافلگیر شده بودم. جدا هم زبانم بند آمده بود و هم خنده‌ام گرفته بود. هم به شدت کلافه بودم. نماینده آس‌تِج مصر (Assteg) – اتحادیه بین‌المللی تئاتر کودکان و نوجوانان – یکی از چاق‌ترین آدم‌هایی که

دیدم‌ام. فریاد می‌زد و شکم و شکمبه و لمبرهایش می‌لرزیدند و خدا می‌داند به عربی چه فحش‌هایی که نشامر نکرد و پس از آن به انگلیسی ادعایش را مطرح کرد: این‌ها – منظورش ایرانی‌ها بود– با ما دشمنی دارند و به همین دلیل اسم دلّک نمایش‌های عروسکی‌شان را مبارک گذاشته‌اند و به این شیوه می‌خواهند رهبر عزیز ارجمند و بزرگ و نجات‌بخش و چنین و چنان ما را بدنام کنند. تمام اعضای کنگره به ما دو نفر خیره شده بودند. آنها خنده من را این گونه تعبیر می‌کردند که ایرانی‌ها به راستی برای دست انداختن رئیس جمهور مصر چنین عروسکی را ساخته‌اند. پس به نماینده مصر حق می‌دادند که عصبانی باشد اما نه آنقدر... خلاصه من از رئیس جلسه اجازه خواستم که از خودم دفاع کنم. اما نماینده مصر، مُصر بود که من باید از جلسه اخراج شوم. رئیس جلسه او را دعوت به سکوت کرد. من برخاستم و از نماینده مصر پرسیدم: آیا حسنی مبارک سیاهپوست است؟ او دوباره برخاش کرد اما رئیس جلسه از او خواست که جواب من را بدهد. او با عصبانیت گفت نه! سؤال کردم آیا حسنی مبارک حداقل ۲۰۰ سال عمر دارد؟ او باز با همان رفتار غیرفرهنگی جواب داد نه... من کارت‌پستال مبارک را به همه نشان دادم و توضیح دادم: آقایان و خانم‌ها... خانم‌ها آقایان، آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها، آسیایی‌ها، آفریقایی‌های عزیز... این عروسک که در میان صحبت‌هایم از آن یاد کردم و باعث برآشفنگی نماینده مصر شد حداقل ۲۰۰ سال است که به عنوان یک عروسک جذاب و شادی‌آفرین، نقاد، تندخو، به موقع و گاهی مهربان اما همواره لذت‌بخش در میان صدها عروسک ایرانی خود را به صدر رسانده و ما آن را به شدت دوست داریم. در حالی که حداقل من شناختی از حسنی مبارک ندارم که او را دوست داشته باشم یا دوست نداشته باشم. بعد یک عروسک مبارک را از کیفم بیرون آوردم. صغیر (سوت‌سوتک) را در دهانم گذاشتم و گفتم: من فقط یک مصری را خیلی دوست دارم. بعد صغیر را درآوردم و ترجمه کردم... پس از این صحبت نماینده مصر آرام شد اما قانع نشد ولی برای من وظیفه‌ای خاص تعریف شده بود: شناساندن عروسک محبوبی که بعضی‌ها آن را تحقیر سیاهپوستان تصور می‌کردند و برخی آن را نمونه بارز نژادپرستی... در حالی که مبارک هرگز در مقام تحقیر نژادی به صحنه نمی‌آید بلکه اتفاقاً نشان می‌دهد با سواس و دقت و هوشمندی دست ریاکاران و دروغ‌گوینا را شناساند. در یک جمله: هوشمند و جذاب و رند به تمام معناست؛ در این ماموریت فرهنگی که خودم برای خودم تعریف کرده بودم: بازشناسی خیمه‌شب‌بازی و مبارک در ایران و جهان مبرم‌ترین وظیفه بود. پس همه عروسک‌های دوره قاجاریه را با یاری بیژن نعمتی شریف بازسازی کردم.^۱

هزاران کارت‌پستال چاپ کردم و هر جا و به هر مناسبت و به خصوص در خلال کنگره‌های جهانی یونیمای مبارک را وارد معر که می‌کردم. بعضی از محققان با نام پهلوان کچل – عروسک مشهور ایرانی در دوره کریم‌خانی و اوایل قاجاریه – آشنایی داشتند ولی همه اطلاعات آنها جسته و گریخته بود.اما در این ماموریت فرهنگی لازم بود فرصت‌ها را از دست ندهم و راجع به نمایش عروسکی ایران در گذشته‌های دور سخنرانی کنم. کارگاه آموزشی بنگارم با به‌همراه گروه‌م، نمایش عروسکی‌مان را در کاراکلس، پراگ، لندسن و... معرفی کنم. با دو گام دیگر مبارک را از عزلت جهانی و گمنامی بیرون آوردم: نخست آنکه امروز یونیمایی ایران – شاخه‌ایرانی اتحادیه بین‌المللی نمایشگران عروسکی (UNIMA) – یک پی‌شوند دارد-مبارک – یونیمای جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی ایران ترکیبی از دو نام است: تهران و مبارک. حالا مطمئن هستم هیچ هنرمند مصری از شنیدن نام مبارک همچون آن مصری بی‌فرهنگ به خشم نمی‌آید و دچار سوءتفاهم نمی‌شود. حالا یونسکو هم پذیرفته است که «مبارک» چکیده طنز و نگاه هوشمندانه تهیدستان به بالادستان، اربابان و شاهان است.او نماد واقعی این شعر عبید زاکانی ارجمند، تیزهوش و دردمند ایرانی است که می‌گوید:

رو مسخرگی پیشه‌کن و دلکلی آموز
تا داد خود از کتر و مهر بستانی
نگاهی به جشنواره تهران – مبارک گویای این است که امروز ممکن است «مبارک» مخالف و متناقض باشد اما میلیون‌ها دوستدار مسندتار دارد. او دانش کنار پول چلی نلا، پول شیلن^۲، گینبول، قره‌گز، کاسپرل و ده‌ها عروسک دیگر از ستاره‌های درخشان آسمان جهان نمایش عروسکی است و من به اندازه‌ای که خودم می‌دانم از اینکه چنین شده است، بی‌نهایت شادمانم و ایامنم دارم که همه ما به صندوق عدم خواهیم رفت اما مبارک بر قطع جهان بازگویی خواهد کرد و همه را – تا آنجا که بتواند – دست خواهد انداخت.

پی‌نوشت‌ها:
۱- این کنگره قریب ۲۱ سال پیش در شهر برلین شرقی پایتخت آلمان شرقی و تحت عنوان اجلاس بین‌المللی آس‌تِج تشکیل شد و من به عنوان نماینده ایران و آن سوی کنون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در آن شرکت کرده بودم.
۲- خیمه‌شب‌بازی به شیوه قاجار برای ادای دین به آخرین بازماندگان خیمه‌شب‌بازی و همچنین آشنا کردن ایرانیان با میراث فرهنگی‌شان به صورت دی‌وی‌دی و توسط موسسه رسانه‌های تصویری به کارگردانی خودش و با حضور بازی‌خمس‌ای و مرحوم عیسی رزمجو، مریم اقبالی و علی پاکدست ضبط و بخش شده است.

خودتان راهی هتل شدید.

این مشکل برای ژاک ترودور پیش آمد. کسی در فردگاه دنبالش نیامد اما این مساله اصلاً مهم نیست و باور کنید در هر جای دنیا امکان دارد اتفاق بیفتد و تنها مختص ایران نیست. ایران فرهنگی غنی دارد و پذیرایی از مهمانان در این جشنواره حیرتانگیز بوده است. همه فستیوال‌ها این گونه نیستند.

– از میان آثار ایرانی کاری را برای اجرا در فستیوال‌های دیگر انتخاب کرده‌اید؟

نه هنوز. بسیاری از گروه‌ها به من س‌دی آثارشان را داده‌اند. برخی گروه‌های خارجی را هم دیدم که قبلاً نمی‌شناختم اما برایم جالب است که گروه‌های ایرانی بیشتر را بشناسم. آنچه برای گروه‌های ایرانی ضروری است بالا بردن قدرت بصری آثارشان است. اگر بیشتر بر زبان متکی باشند فهم کارشان برای کسی که زبان فارسی را نمی‌داند دشوار می‌شود.

–آیا یونیمای به کشورهای عضو خود کمک مالی می‌کند؟

یونیمای چندان بودجه‌ای برای کمک مالی ندارد و متکی به حق عضویت اعضایش است و باید هزینه‌های خود را به گونه‌ای تأمین کند. یونیمای بین‌المللی برای اجرای برنامه‌ها، مدیریت فعالیت‌ها، برگزاری برنامه‌های آموزشی و برای نمونه چاپ همین دانشنامه‌ای که ذکر کردم از دولت فرانسه بودجه می‌گیرد و به همین دلیل دفتر یونیمای در حال حاضر در فرانسه است. اما مراکز یونیمای داخلی هر کشور موظف به اداره خود است.

یونیمای برخی کشورها شرایط مالی خوبی دارد و به اعضای خود کمک می‌کند اما عمدتاً یونیمای موسسه‌ای بدون نفع مالی است و شبکهای برای مرتبط ساختن فعالان عروسکی در تمام دنیا که هم‌اکنون سه تا چهار هزار عضو دارد. یونیمای ایران بیشترین تعداد عضو را دارد. اعضا هر سال باید مبلغی را در حکم حق عضویت به یونیمای داخل کشورشان پرداخت کنند و سه یورو از حق عضویت هر یک از اعضا به حساب یونیمای بین‌المللی واریز می‌شود. نمی‌دانم این مبلغ را مراکز هنرهای نمایشی پرداخت می‌کند یا خود اعضا اما مبلغ حق عضویت از تعداد بسیار زیاد اعضا خیر می‌دهد.

– شرایط عضویت در یونیمای چیست؟

هر کسی می‌تواند عضو یونیمای شود. در چهار خط اول اساسنامه ما آمده است: هر فردی که به تئاتر عروسکی علاقه داشته باشد فارغ از نژاد، مذهب، سیاست، دولت و... می‌تواند عضو یونیمای باشد. اگر مرکز داخلی یونیمای در یک کشور وجود نداشته باشد، فرد می‌تواند به طور مستقیم عضو یونیمای بین‌المللی شود.

در آخر چیزی باقی مانده که بخواهید اضافه کنید؟
فکر می‌کنم کارگاه‌های آموزشی اسمال جشنواره مبارک هم کیفیت بسیار خوبی داشتند. همه آنها را ندیدم اما کارگاه آلن لوکوگ و عروسک‌های غول‌اسای خانم فوننتس بسیار جذاب بودند. برایم جالب بود که دوستداران تئاتر عروسکی از شهرهای مختلف ایران برای شرکت در این کارگاه‌ها آمده بودند. اتفاق بسیار مثبتی است. تئاتر عروسکی امروز ایران از تکنیک خوبی برخوردار است و چیزی که برایم سؤال است

این است که این اتفاق چطور افتاده است؟ همه گروه‌ها که امکان رفتن به فستیوال‌های خارجی و دیدن کارهای روز دنیا را ندارند. آیا این مساله به آموزش آنها بازمی‌گردد یا مبارک هم به شکل‌گیری این روحیه کمک می‌کند. هر کس به این فستیوال می‌آید یا ایده‌ای مشخص به سرزمین خودش بازمی‌گردد. ممکن است با خیلی چیزها موافق نباشد اما با احساس مثبتی اینجا را ترک می‌کند و خاطره خاصی از ایران خواهد داشت.
–گویا شما چند ساعتی در فردرگاه ایران معطل و بعد

یونیمای به کشورهای عضو خود کمک مالی می‌کند؟

سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران – مبارک اسمال در بخش‌های مختلف خود از سمینار و اجراها تا کارگاه‌های نمایشی پذیرای مهمانان متعدد و معتبری بود. ددی بودامچی یکی از آنهاست. مرد میناسال هندی تبار، گشاده‌رو و خرده‌ای شوخ‌طبع که دو سال پیش به ریاست یونیمای انتخاب شد. تنظیم قرار ملاقات با او اصلاً کار سختی نبود. به سرعت خواسته ما را پذیرفت و به لابی هتل بزرگ فردوسی، محل اسکان مهمانان خارجی جشنواره، دعوت‌مان کرد. در خلال گفت‌وگو با خرسندی به اصل و نسب ایرانی‌اش اشاره و از نام‌های ایرانی خانواده‌اش یاد کرد؛ کیکباد، شهربانو، خورشید، همای و... دیگر آنچه ما و آقای بودامچی را به یکدیگر پیوند می‌داد جشنواره و عروسک و سمینار نبود؛ تاریخی مشترک ما را به مبدایی واحد می‌رساند که قدمتش بیش از مبارک بود. آیا دلیل نگاه جزه‌نگر او به تئاتر و وقایع اجتماعی و سیاسی روز ایران همین بود؟ این گفت‌وگو که در عصر جمعه‌ای ساکت انجام شد بدون پیگیری و همراهی دوست قدیم سر کار خانم آزادی رضائیان مقدم میسر نمی‌شد. از او سیاست‌گزارم.

کودک‌انی که از خانه فرار کرده بودند اما استعداد فوق‌العاده‌ای در تئاتر داشتند. از طریق تئاتر عروسکی آنها را آموزش و مشاوره دادم و از خطرات ایدز آگاهشان کردیم. آنها تاکنون خودشان ۷، ۸، اجرای حدوداً ۲۰۰–۱۵ دقیقه‌ای داشته‌اند. پس از هر اجرا نیز درباره موضوع مطرح شده در مدرسه بحثی جمعی درمی‌گیرد. من در هندوستان با تئاتر زنده نمی‌توانم چنین کاری را انجام دهم. به خاطر بافت اجتماعی ما نمی‌توان درباره برخی مسائل صحبت کرد. نشان دادن گونه‌ای از مسائلی که با استفاده از عروسک بیشتر باید در سمینار اما ناتر عروسکی نمایش پارهای از این گونه مسائل را سهل می‌کند چون ابژکتیو است و پیام را نیز به طور واضح منتقل می‌کند. اینجا کارکردهای مهم تئاتر عروسکی در سرگرمی‌سازی، آموزش دهی، درمان و ... است که باید مورد توجه و استفاده قرار گیرند.

–کیفیت سمینار اسمال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
سمینار خوبی بود. تنها مساله این بود که الان فصل تابستان است و اغلب مردم در تعطیلات به سر می‌برند و گروه‌های جشنواره هم مشغول تمرین نمایش‌هایشان بودند. اما انتظار داشتم دانشجویان بیشتری به سمینار بیایند. ما که نمی‌خواستیم برای خودمان سخنرانی کنیم. به نظرم سمینار فرصتی بود که دانشجویان ایرانی می‌توانستند با این شرکت می‌کردند. فستیوال تماشاگران خوبی را جذب خود کرده اما برای سمینار باید تبلیغات بیشتری می‌شد. برای مثال من در مقاله‌ای که ارائه کردم بیش از صد عکس از تئاتر عروسکی سنتی و مدرن هند نشان دادم که دیدن همه آنها به طور یکجا به سادگی امکان‌پذیر نیست و به نظر من سمینار فرصتی بود که دانشجویان ایرانی می‌توانستند با این مقوله از نزدیک آشنا شوند. نکته دیگری که در سمینار هم به آن اشاره کردم اهمیت سفر گروه‌های ایرانی به کشورهای خارجی و فستیوال‌های دیگر بود و اینکه مراکز هنرهای نمایشی باید از گروه‌های حرفه‌ای و دانشجویی و نه فقط از تعدادی گروه معدود حمایت کند تا بتوانند از ایران بیرون بروند و تفاهت‌ها را بینند.

– شما قبلاً هم به ایران آمده بودید؟

بله این چهارمین بار است که به ایران می‌آیم. جالب است که بدانید من زرتشتی هستم و از پارسیان هند. ما نیاکایی مشترک داریم. من به واسطه دوستانی که اینجا دارم و افرادی که می‌شناسم چند بار به ایران آمده‌ام و اینجا خیلی احساس راحتی می‌کنم. مثل بعضی خارجی‌ها که برای اولین بار به ایران می‌آیند نبوده‌ام. فستیوال مبارک هم به شکل‌گیری این روحیه کمک می‌کند. هر کس به این فستیوال می‌آید یا ایده‌ای مشخص به سرزمین خودش بازمی‌گردد. ممکن است با خیلی چیزها موافق نباشد اما با احساس مثبتی اینجا را ترک می‌کند و خاطره خاصی از ایران خواهد داشت.

–گویا شما چند ساعتی در فردرگاه ایران معطل و بعد

یادداشت با هدف گذر و نقادانه، ترکیبی از این دو یا با نحوه تلقی «گذر» از آنچه بوده است. این یادداشت با هدف گذر ارائه می‌شود.
واقعۀ در اینجا جشنواره عروسکی

یادداشت با هدف گذر و نقادانه، ترکیبی از این دو یا با نحوه تلقی «گذر» از آنچه بوده است. این یادداشت با هدف گذر ارائه می‌شود.
واقعۀ در اینجا جشنواره عروسکی